

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته
دوره‌ی دوم - سال سیزدهم - جلسه ۳۳ - دوشنبه ۹۵/۹/۲۲

بررسی احتمالی دیگر در صورت سوم از قسم اول

به تعبیر محقق نائینی رحمته الله بعضی توهم کرده‌اند^۱ که ابتدا باید اخص را نسبت به عام اعمال کرد و ماحصل را با خاص دیگر نسبت‌سنجی کرد، که در این صورت انقلاب نسبت پدید می‌آید.

توضیح ذلک: متوهم می‌گوید باید ابتدا عام «اکرم العلماء» را به «لا تکرّم العالم المرتکب للكبيرة» تخصیص زد که محصلش چنین می‌شود: «يجب اکرام العلماء غیر المرتکب للكبائر»، سپس این ماحصل را با

۱. أجود التقريرات، ج ۲، ص ۵۱۹:

(و منه يظهر الحال) فيما إذا كانت النسبة بين الخاصين العموم من وجه أيضا فلا بد من التخصيص بالمجموع إلا مع عدم بقاء المورد للعام فيلاحظ الترجيح أو التخيير و أما إذا كانت النسبة بين الخاصين العموم و الخصوص المطلق كما إذا كان المخصصان قوله لا تکرّم البغداديين منهم و لا تکرّم العام الفاسق البغدادی (فربما يتوهم) فيه ان العام يخصّص أولاً بأخص الخاصين ثم تلاحظ النسبة بين الباقي و الخاص الآخر فربما تنقلب النسبة إلى العموم من وجه (و لكنه وهم فاسد) فإن كون النسبة بين الخاصين عموماً و خصوصاً مطلقاً مع اتحاد نسبتيهما إلى العام لا يوجب تقدم أحدهما في مقام أخذ النسبة و بيان أخص الخاصين في مقابل الآخر لا يوجب حصر التخصيص به بل يمكن ان يكون بيانه مستقلاً لأجل الاهتمام به أو لخصوصيات آخر (و بالجملة) حيث ان نسبة العموم إلى كل منهما على حد سواء فلا تكون كاشفيتها نوعية إلا فيما عداهما فلا محالة من التخصيص بكل منهما.

✓ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۷۴۳:

الصورة الثانية: ما إذا ورد عامّ و خاصان مع كون النسبة بين الخاصين العموم المطلق، كقوله: «أكرم العلماء» و «لا تکرّم النحويين منهم» و «لا تکرّم الكوفيين من النحويين». و حكم هذا القسم حكم القسم السابق: من وجوب تخصيص العامّ بكلّ من الخاصين إن لم يلزم التخصيص المستهجن أو بقاء العامّ بلا مورد، و إلّا فيعامل مع العامّ و مجموع الخاصين معاملة التعارض.

و قد يتوهم في هذا القسم: أنّ العامّ يخصّص بأخصّ الخاصين، و بعد ذلك تلاحظ النسبة بين الباقي تحت العامّ و بين الخاص الآخر، فقد تنقلب النسبة إلى العموم من وجه بعد ما كانت قبل تخصيص العامّ بأخصّ الخاصين العموم المطلق - كالمثال - فأنه بعد تخصيص قوله: «أكرم العلماء» بما عدا الكوفيين من النحويين - الذين هو أخصّ الخاصين - تصير النسبة بينه و بين قوله: «لا تکرّم النحويين» العموم من وجه، لأنّ النحوى يعمّ الكوفى و غيره، و العالم الغير الكوفى يعمّ النحوى و غيره، فيتعارضان في العالم النحوى غير الكوفى.

هذا، و لكن لا يخفى فساد التوهم، فأنه لا وجه لتخصيص العامّ بأخصّ الخاصين أولاً، ثمّ تلاحظ النسبة بين الباقي تحت العامّ و بين الخاص الآخر، مع أنّ نسبة العامّ إلى كلّ من الخاصين على حدّ سواء، فاللازم تخصيص العامّ بكلّ منهما دفعة واحدة إن لم يلزم منه المحذور المتقدّم، و إلّا فيقع التعارض بينه و بين مجموع الخاصين.

«لا تكرم العالم العاصي» نسبت‌سنجی کنیم و معلوم است که نسبت این دو عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا عالم ممکن است عاصی مرتکب کبیره باشد و فقط «یحرم اکرام العالم العاصی» شامل او شود، همچنین ممکن است عالمی داشته باشیم که اصلاً مرتکب گناه نمی‌شود، لامحاله «یحرم اکرام العالم العاصی» نمی‌تواند شاملش شود و فقط آن عام مخصّص یعنی «يجب اکرام العالم غير المرتكب للكبيرة» شاملش می‌شود، پس مواد افتراق روشن شد. اما ماده‌ی اجتماع «عالم عاصی غیر مرتکب کبیره» (یعنی فقط مرتکب صغیره) است؛ زیرا هم «یحرم اکرام العالم العاصی» شاملش می‌شود چون مرتکب صغیره و عاصی است و هم «يجب اکرام العالم غير المرتكب للكبيرة» شاملش می‌شود زیرا عالمی است که مرتکب کبیره نمی‌شود. در نتیجه عام مخصّص و خاص اعم در ماده‌ی اجتماع با هم درگیر می‌شوند و باید طبق قواعد تعارض عمل کنیم.

مرحوم نائینی می‌فرماید این سخنان صحیح نیست؛ زیرا می‌گوییم به چه دلیل چنین می‌کنید؟! اخص چه مزیتی دارد که ابتدا آن را اعمال کنیم و بعد نتیجه را با خاص دیگر بسنجیم!؟

بیان دو مطلب از محقق نائینی رحمته الله ذیل صورت سوم

در ادامه مرحوم نائینی دو مطلب مهم ذکر می‌کند:

مطلب اول^۱ اینکه تا به حال فرض می‌کردیم عام و خاص های منفصل، وجود داشته باشد، اما اگر این اخص متصل به عام بود نه منفصل؛ یعنی از اول عام این چنین بود: «اکرم العلماء غیر المرتکبین للکبائر» و یک دلیل دیگر بیان می‌کرد: «لا تکرّم العالم العاصی»، در اینجا نسبت عموم و خصوص من وجه می‌شد؛ زیرا هم ماده‌ی افتراق داشتند و هم ماده‌ی اجتماع. «عالم عادل» ماده‌ی افتراق «اکرم العلماء غیر المرتکب للکبائر» بود و

۱. أجدود التقریرات، ج ۲، ص ۵۱۹:

«نعم» لو كان أخص الخاصين متصلاً بالعامّ و موجبا لتعنون العام بغيره في مقام الظهور التصديقي فلا محالة تلاحظ النسبة بينه بماله من الظهور و بين الخاص الآخر و قد تكون النسبة هو العموم من وجه و الفرق بين المخصص المتصل و المنفصل هو ان المخصص المتصل يوجب انعقاد الظهور التصديقي فيما قاله المتكلم في غير العموم من أول الأمر و يتوقف انعقاد الظهور فيما اراده على عدم ورود المخصص و غيره من القرائن المنفصلة عليه و من المفروض ان المخصص الآخر لا يصلح للقرينية بنفسه لعدم كون النسبة بينهما عموماً و خصوصاً مطلقاً.

✓ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۷۴۳:

نعم: لو كان أخص الخاصين متصلاً بالعامّ كانت النسبة بين العامّ المتصلّ به الأخصّ و بين الخاص الآخر العموم من وجه، كما ورد في المثال قوله: «أكرم العلماء غير الكوفيين من التحويين» فإن النسبة بينه و بين قوله: «لا تكرم التحويين» العموم من وجه، لأن النسبة إنّما تلاحظ بين الكلامين بما لهما من الخصوصيات المحتفّة بهما، فإن لاحظ النسبة إنّما يكون بين الظهورات الكاشفة عن المرادات، و للخصوصيات دخل في انعقاد الظهور، فالفرق بين المخصص المتصلّ و المنفصل ممّا لا يكاد يخفى.

«عالم مرتكب كبيره» مادهی افتراق «يحرّم اكرام العالم العاصی» بود و «عالم عاصی غیر مرتكب كبيره» مجمع و مادهی اجتماع می شد و لذا باید به قواعد تعارض مراجعه کنیم. کسی هم با این مطلب مخالفتی ندارد و همه این سخن را قبول دارند که اگر به هر حال اخص متصل بود حکمش چنین است.

مثال های متعددی در این رابطه می توان بیان کرد. مرحوم نائینی در *فوائد الاصول* این مثال را مطرح کرده اند که: اگر عام «اکرم العلماء» وجود داشته باشد و دلیل خاص آن «لا تکرّم النحویین» باشد و دلیل اخص آن «لا تکرّم الكوفی من النحویین» باشد، هر دو خاص باید اعمال شود و نتیجه اش این است که اصلاً نحوی را اکرّم نکن. ولی اگر اخص به عام متصل شد؛ یعنی بیان شد «اکرم العلماء غیر الكوفیین من النحویین» عموم و خصوص من وجه می شود؛ زیرا اگر عالم نحوی و کوفی باشد، «اکرم العلماء غیر الكوفیین» شاملش نمی شود؛ چون فرض شد که کوفی است و اگر عالم باشد ولی نحوی نباشد، «لا تکرّم النحویین» شاملش نمی شود، ولی اگر عالم غیر کوفی نحوی باشد مورد اجتماع می شود؛ چون نحوی است و «لا تکرّم النحویین» شاملش می شود، همچنین عالم غیر کوفی است و «اکرم العلماء غیر الكوفیین» شاملش می شود. در نتیجه نسبت بین دو دلیل عموم و خصوص من وجه می شود، لذا در مادهی اجتماع درگیر می شوند و قواعد تعارض به کار می رود.

مطلب دوم^۱ محقق نائینی رحمته اللّٰه آنست که فرموده اند: اگر عامی چنین باشد «اکرم العلماء» همچنین دلیل دیگر

۱. أجدود التقریرات، ج ۲، ص ۵۱۹:

و هذا بخلاف المخصص المنفصل فإن المفروض فيه انعقاد الظهور التصديقي في العموم و يتوقف انعقاد الظهور في المراد على عدم ورود المخصص عليه و كل من الخاصين صالح للقرينية و موجب لانقلاب الظهور عما كان عليه إلى غيره (و من هنا) يظهر انه لا فرق في انقلاب النسبة في فرض اتصال المخصص بالعام بين ما إذا كان هناك عام آخر غير متصل به الخاص و بين عدمه ضرورة ان العام الآخر بعد وجود العام المخصص بالمتصل لا يكون حجة في غير ما يكون العام المتصل حجة فيه فلا محالة يكون الظهور فيه منقلبا قبل ملاحظة التعارض بينه و بين المخصص الآخر فلا بد من ملاحظة التعارض بينه بعد التخصيص بالمتصل و بين الخاص الآخر فتقلب النسبة إلى العموم من وجه كما هو ظاهر.

✓ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۷۴۴:

و كما أن النسبة بين العام المتصل به الأخص و بين الخاص الآخر تكون العموم من وجه، كذلك تكون النسبة بين العام الفوق الذي لم يتصل به الخاص لو كان و بين الخاص الآخر العموم من وجه، كما لو فرض أنه قال: «أكرم العلماء» ثم قال: «أكرم العلماء الغير الكوفيين» ثم قال: «لا تكرم النحويين» فإنه كما يقع التعارض بين قوله: «أكرم العلماء غير الكوفيين» و بين قوله: «لا تكرم النحويين» لأن النسبة بينهما العموم من وجه، كذلك يقع التعارض بين قوله: «أكرم العلماء» و بين قوله: «لا تكرم النحويين»، فإن النحوي الكوفی كما يكون خارجا عن عموم قوله: «أكرم العلماء غير الكوفيين من النحويين» كذلك يكون خارجا عن قوله: «أكرم العلماء» فإن العام بعد تخصيصه بالمتصل أو المنفصل يخرج عن كونه كبرى كلیة و يكون معنونا بما عدا الخاص، فالكوفی من النحوی يكون خارجا عن عموم قوله: «أكرم العلماء» لا محالة، لاتفاق العام المخصص بالمتصل و الخاص الآخر على خروجه و عدم وجوب إكرامه، فلا يمكن أن يبقى عموم قوله: «أكرم العلماء» على حاله، بل لا بدّ من أن يكون

بگوید «اکرم العلماء غیر المرتکب للکبائر» یعنی همان عام را با اخص متصل داشته باشیم و دلیل سومی نیز داشته باشیم که بیان کند «لا تکرّم العالم العاصی»، اگر فقط عام مذیل و خاص را در نظر بگیریم نسبتشان عموم و خصوص من وجه است کما اینکه در مطلب قبل توضیح دادیم، اما اگر عام غیر مذیل یعنی «اکرم العلماء» را هم در نظر بگیریم قضیه فرق خواهد کرد. در این صورت دو احتمال هست؛ یا باید بگوییم آن عام مذیل به اخص با خاص درگیر می‌شوند و در ماده‌ی اجتماع سقوط می‌کنند و باید رجوع به عام فوق کنیم (یعنی اکرم العلماء) در نتیجه نسبت به عالم عاصی غیر مرتکب کبیره، چون مورد اجتماع هر دو است هر دو ساقط می‌شوند، لذا این مورد نیز ملحق به علمایی است که واجب الاکرام است. احتمال دیگر اینکه اینجا هر سه دلیل درگیر می‌شوند و در ماده‌ی اجتماع، عام فوق مرجع نیست و باید به اصول عملیه رجوع کرد؟

دو وجه از محقق نائینی رحمته الله علیه در جمع سه دلیل

محقق نائینی رحمته الله علیه در اینجا فرموده است که هر سه دلیل با هم درگیر می‌شوند و عامی که غیر مذیل است نمی‌تواند مرجع قرار بگیرد و دو وجه برای این مطلب ارائه کرده‌اند. البته این دو وجه مورد مناقشه‌ی برخی هم قرار گرفته است.

وجه اول محقق نائینی رحمته الله علیه

وجه اول چنین است که: ملاک در نسبت‌سنجی، مراد جدی بود و اگر مراد جدی نبود نسبت‌سنجی نمی‌کردیم، و در مثال مذکور إلا و لابد مراد جدی عام فوق، محدود به «عالم غیر مرتکب للکبیره» است؛ به دلیل اینکه دو خاص وجود دارد که در یک جا توافق دارند و آن «عالم عاصی مرتکب کبیره» است. یک خاص می‌گوید «لا تکرّم العالم العاصی»، خاص دیگر که اخص است می‌گوید «لا تکرّم العالم المرتکب للکبیره» و به هر حال هر دو خاص متفقند که اکرام عالم مرتکب للکبیره واجب نیست و در این شکی نیست؛ یعنی حتی اگر بگوییم مثبتین همدیگر را تخصیص می‌زنند اینجا دیگر عالم مرتکب کبیره قطعاً واجب الاکرام نیست. بنابراین «اکرم العلماء» بلا شبهه منحصص است؛ یعنی می‌شود: «اکرم العلماء غیر المرتکبین للکبیره». وقتی چنین شد اگر «اکرم العلماء غیر المرتکبین للکبیره» را با «لا تکرّم العالم العاصی» بسنجیم نسبتشان عموم و خصوص من وجه است، همان‌گونه که توضیح داده شد.

در مثال دیگر، مرحوم نائینی فرموده‌اند عامی داریم که بیان می‌کند: «اکرم العلماء» همچنین دلیل دیگری

المراد منه العالم الغير الكوفي من النحويين، فتكون النسبة بينه وبين قوله: «لا تکرّم النحويين» العموم من وجه.

می‌گوید «اکرم العلماء غیر الکوفیین من النحویین» و یک خاص مستقلاً هم وجود دارد که بیان می‌کند «لا تکرّم النحویین». باز در اینجا امر مشکل می‌شود که آیا بگوییم خاص‌ها با همدیگر تعارض می‌کنند و مرجع، آن عام است؟ یعنی در «نحوی غیر کوفی» که محل اجتماع است تعارض دارند؟ زیرا فرموده «لا تکرّم النحویین» که همه‌ی نحویین را شامل می‌شود؛ چه کوفی و چه غیر کوفی. دلیل دیگر نیز گفته است: «اکرم العلماء غیر الکوفیین من النحویین» یعنی نحوی غیر کوفی را باید اکرام کنیم. اگر گفتیم این دو با همدیگر تعارض می‌کنند و مرجع «اکرم العلماء» است، نحوی غیر کوفی واجب الاکرام می‌شود ولی اگر گفتیم همه باهم درگیر می‌شوند و مرجعیتی برای آن عام باقی نمی‌ماند مرجع، اصول عملیه می‌شود.

مرحوم نائینی در اینجا می‌گوید مراد جدی از «اکرم العلماء» قطعاً محدود است؛ زیرا دو خاص داریم که در یک جا اتفاق دارند، یعنی در «کوفی نحوی» که حتماً نباید اکرام شود؛ چون «لا تکرّم النحویین» و «اکرم العلماء غیر الکوفیین» هر دو شاملش می‌شود، پس کوفی نحوی خارج از «اکرم العلماء» است و عام چنین می‌شود: «اکرم العلماء غیر الکوفیین من النحویین». حال اگر نسبتش را با «لا تکرّم النحویین» بسنجیم عموم و خصوص من وجه می‌شود. لهذا باید در ماده‌ی اجتماع رجوع به اصول عملیه کنیم و نمی‌توانیم به «اکرم العلماء» رجوع کنیم.

مقرّر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی